

سیاست مقاوم‌سازی مسکن و توسعه پایدار سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه: دهستان شور دشت در استان همدان

هادی قراگوزلو^{*۱}، فرهاد عزیزپور^۲

۱- دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
۲- دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

DOI: [10.22077/vssd.2020.3883.1013](https://doi.org/10.22077/vssd.2020.3883.1013)

چکیده

طی چند دهه ی اخیر، اجرای برنامه ها و اقدامات متنوع توسط نهادهای مختلف از یک سو و روندهای نوگرایی در عرصه‌های اجتماعی- اقتصادی از دیگر سو، زمینه ساز دگرگونی هایی در محیط های روستایی شده است. اثر این دگرگونی ها در زیر نظام های مختلف روستا از جمله مسکن روستایی خود را متجلی ساخته است. نیاز روستاها به مسکن مناسب سبب اجرای اقداماتی از سوی ارگان-های دولتی مرتبط از جمله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قالب اجرای طرح مقاوم سازی مسکن روستایی (طرح های نوسازی و بهسازی) طی چند دهه پس از انقلاب شده است. این طرح، اثرات گسترده ای در ابعاد مختلف مسکن روستایی داشته است. پژوهش حاضر به دنبال تعیین پیامد این طرح ها و برنامه‌ها بر زندگی روستاییان و ساختارها و کارکردهای خاص سکونتگاه های روستایی است. جامعه آماری تحقیق را ۱۷ روستای دهستان شوردشت واقع در استان همدان تشکیل می دهد، که در آن ۶ روستای مسلم آباد، راهجرد، قشلاق علیا، کوزره، خماجین و خیرآباد به عنوان نمونه انتخاب گردید. حجم نمونه پرسشگری نیز با استفاده از فرمول کوکران، ۹۳ سرپرست خانوار تعیین گردید که در طی ۳ سال اخیر از وام مقاوم سازی مسکن بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استفاده نموده اند. برای جمع آوری داده ها از شیوه ی کتابخانه ای و انجام مطالعات میدانی استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بیشترین تأثیر سیاست مقاوم سازی بر ابعاد کالبدی و اجتماعی با میانگین ۳/۵۴ و ۳/۴۵ بوده است. به عبارتی، مقاوم‌سازی مسکن روستایی در ابعاد توسعه پایدار روستایی دارای اثرات متفاوتی بوده که در رأس تحولات می‌توان به بعد اجتماعی و کالبدی اشاره داشت.

تاریخ دریافت:

۱۹ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:

۳۰ آبان ۱۳۹۹

صفحات: ۳۴-۱۹



کلید واژگان:

مسکن روستایی،
مقاوم‌سازی مسکن،
توسعه پایدار روستایی،
دهستان شوردشت

* hadi_gharagozloo@yahoo.com

۱- مقدمه

زندگی روستایی و نوع نگرش روستاییان به جهان و طبیعت و همچنین امکانات و دانش آن‌ها برای ساخت و شیوه‌های بهره‌وری، باعث می‌شود تا اجزای محیط به مطلوبترین نوع با حداکثر کارایی و در عین رعایت سادگی و برقراری رابطه‌ای منطقی و مکمل بین خود، شکل گیرند. سازمان فضایی روستا که انعکاس ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آن به شمار می‌رود نیز متأثر از این نحوه کارکرد است. بنابراین، می‌توان گفت روستاها بنا به ماهیت خود و متناسب با ساختار فرهنگی، اجتماعی - اقتصادی و به ویژه محیط جغرافیایی، دارای سازماندهی درونی و کالبدی ویژه‌ای در زمینه شیوه زندگی مادی و معنوی است. وجود چنین ساختاری، اثرات و پیامدهای خویش را بر چهره زمین و در بخش مسکن بروز می‌دهد (اکبری، ۱۳۸۸: ۲).

مسکن عمده‌ترین جزء از اجزای بافت کالبدی روستا است که در شکل‌گیری ساختار فضایی - کالبدی و هویت ساخت و ساز روستاها نقش اساسی دارد و به عنوان نمادی از چگونگی تعامل و ارتباط انسان با محیط پیرامون خویش و بر حسب شرایط زمانی - مکانی (به ویژه تاریخ، فرهنگ و شرایط اجتماعی - اقتصادی) در هر منطقه شکل گرفته، و به نوعی نشان دهنده نوع فعالیت‌های گوناگون در ابعاد اقتصادی و نگرش اجتماعی، فرهنگی روستائیان و چگونگی تحول و استفاده از تکنولوژی و نهایتاً سطح درآمد و معیشت ساکنان آن است (سرتیپی پور، ۱۳۸۸: ۲۴). مسکن روستایی به طور طبیعی تجلی گاه شیوه زیستی - معیشتی گروه‌های روستایی به شمار می‌رود و الگو و عملکردهای آن در پیوند عرصه مکانی - فضایی، به مثابه درپچه‌ای به شناخت چشم‌انداز و روندهای حاکم بر زندگی و فعالیت روستا است (سعیدی، ۱۳۸۹: ۳۰).

طی چند دهه‌ی اخیر، اجرای برنامه‌ها و اقدامات متنوع توسط نهادهای مختلف از یک سو و روندهای نوگرایی در عرصه‌های اجتماعی - اقتصادی از دیگر سو، زمینه‌ساز دگرگونی‌هایی در محیط‌های روستایی شده است. اثر این دگرگونی‌ها در زیر نظام‌های مختلف روستا از جمله مسکن روستایی خود را متجلی ساخته است. نیاز روستاها به مسکن مناسب سبب اجرای اقداماتی از سوی ارگان‌های دولتی مرتبط از جمله بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در قالب اجرای طرح مقاوم سازی مسکن روستایی طی چند دهه پس از انقلاب شده است (سرتیپی پور، ۱۳۸۹: ۹۵). مقوله مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روستایی از سال ۱۳۸۴ در ادامه طرح بهسازی مسکن روستایی، که از سال ۱۳۷۴ توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با اهدافی چون ارتقاء سطح ایمنی، بهداشتی، رفاه و آسایش روستاییان آغاز شده بود، بطور گسترده مورد توجه قرار گرفته است (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶: ۲۵). این طرح با توجه به اصل ۴۳ قانون اساسی که تأمین نیازهای اساسی و از جمله مسکن را به عنوان یکی از پایه‌های استقلال اقتصادی و ریشه‌کنی فقر در جامعه عنوان نموده و همچنین اصل ۳۱ قانون اساسی که برخورداری از مسکن متناسب را حق هر فرد و جامعه ایرانی بر شمرده به مرحله اجرا درآمده است (سرتیپی پور، ۱۳۸۴: ۴۶ & مهدیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۴). بر این اساس دولت موظف به تأمین مسکن روستائیان و با اولویت‌دهی به مناطق محروم شده و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در چارچوب طرح مقاوم‌سازی با استفاده از اهرم تسهیلات حمایتی روستاییان را به سمت ساخت مسکن مقاوم و استفاده از مصالح بادوام سوق داده است.

دهستان شوردشت واقع در استان همدان از جمله مناطقی است که طرح مقاوم‌سازی مسکن روستایی در آن اجراء گردیده است. با توجه به اطلاعات بدست آمده بیش از ۸۰ درصد واحدهای مسکونی این دهستان در سال ۱۳۵۵ از کیفیت

نامناسبی برخوردار بوده‌اند. اما با توجه به اقدامات صورت گرفته از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی بیش از ۴۰ درصد از واحدهای مسکونی روستایی این دهستان مقاوم سازی شده‌اند. اما مسئله اینجاست که: در طرح مقاوم سازی مسکن تا چه اندازه به کارکردهای خاص مسکن روستایی خصوصاً در نظام اقتصادی حاکم بر روستا (فعالیت‌های معیشتی) توجه شده است؟ آیا تحولات صورت گرفته (ساختاری - کارکردی) در نظام مسکن رضایت‌مندی روستائیان را به دنبال داشته است؟ در همین راستا و به منظور پاسخگویی به سوالات مذکور، در پژوهش حاضر تلاش شده است به بررسی تحولات ساختاری - کارکردی اجرای طرح مقاوم سازی بر مسکن روستایی کشور پرداخته شود.

۲- مبانی نظریه‌ای

پویش ساختاری - کارکردی نوعی نگاه به مطالعات مکانی - فضایی است که به تجربه چند دهه مطالعات میدانی انتظام یافته است. این نگاه پیش از هر چیز مبتنی است بر رویکرد نظام‌وار که به نظر می‌رسد چارچوبی بنیادین برای تمام مطالعات علمی به شمار می‌رود. پویش ساختاری - کارکردی بر این باور است که میان ساختار و کارکردهای پدیده‌های مکانی - فضایی نوعی پیوستگی نظام‌وار حاکم است و یکی بدون حضور متناسب دیگری امکان تحقق نمی‌یابد (سعیدی، الف ۱۳۹۰: ۷).

فرض اساسی نظریه "پویش ساختاری - کارکردی" بر این واقعیت استوار است که میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌های جغرافیایی، همچون شهرها، روستاها، مناطق و نواحی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیر قابل انکار برقرار است که مجموعه حاصل از آن قابلیت‌های آن نظام را نمایندگی و تحقق پذیر می‌کند. در این چارچوب، ساختارهای کالبدی، اعم از ساخت‌های طبیعی و یا انسان ساخت، در ارتباطی تنگاتنگ با ساخت‌های اجتماعی - اقتصادی قرار دارند؛ البته، آشکار است که هر دو این‌ها خود به عنوان نظام‌های فرعی نظام اصلی فضایی عمل می‌کنند. به همین ترتیب، کارکردهای مختلف نظام، چه کارکردهای محیطی و چه کارکردهای اجتماعی - اقتصادی نیز هر یک به عنوان نظامی فرعی، با یکدیگر تعامل معنادار دارند. در نهایت، تمام نظام‌های فرعی هم، اعم از نظام‌های فرعی ساختاری و کارکردی، در تعامل و ارتباط متقابل عمل می‌کنند. بدینسان، می‌توان دریافت که کلیت نظام فضایی، در محیط خود، در تعاملی چند بعدی و بسیار پیچیده بین اجزای گوناگون محیطی - اکولوژیک و اجتماعی - اقتصادی قرار دارد که در نتیجه آن، با نوعی پویایی در گذر زمان تغییر می‌پذیرد (سعیدی، الف ۱۳۹۱: ۱۰).

پویش ساختاری - کارکردی بر این باور استوار است که دخالت در بخشی از ساختار کالبدی، بدون عنایت به بخش‌های دیگر کالبدی (ساختار محیطی - اکولوژیک) و بی توجه به کارکردها (فعالیت‌ها و روابط جاری، از جمله اشتغال متناسب)، یعنی بی‌مهری به پویش نظام وار سکونتگاه‌ها، نمی‌تواند آنطور که انتظار می‌رود به اهداف متصور خود دست یابد (همان منبع پیشین).

اگر مسکن روستایی را به عنوان یک نظام متشکل از اجزاء مرتبط به حساب آوریم، پس ارتباط و بستگی اجزاء در آن امری ناگزیر است. با عنایت به پیوستگی ساختاری - کارکردی نظام‌های مکانی - فضایی می‌توان انتظار داشت که تغییر و دگرگونی در یک جزء از اجزای ساختاری یا کارکردی یک نظام (در اینجا مسکن روستایی)، بر پایه ارتباط نظام‌وار، ممکن است به سایر اجزای نظام انتقال یابد (سعیدی، الف ۱۳۹۰، ۱۳). در نتیجه لازمه دخالت در اجزاء کالبدی روستا (از جمله مسکن روستایی)، آگاهی و توجه به این واقعیت‌های فضایی - مکانی است.

خانه های روستایی برای سکنه خود فضاهای لازم برای کار و زندگی، انبار کالاها و آذوقه، محل نگهداری دام، محل ارتباط و تبادل نظر، اجرای مراسم مذهبی و مانند آن را مهیا می سازد. این اجزاء و یا فضاها در واقع عناصر خانه یا واحد مسکونی روستایی را تشکیل می دهند و نهایتاً کارکردهای خانه های روستایی را مشخص می سازند. به این ترتیب کارکردهای خانه های روستایی را به طور کلی می توان به هفت دسته تقسیم نمود که عبارتند از:

- کارکردهای بنیادی- زیستی مانند استراحت و غذا خوردن و مانند آن؛
- کارکردهای خدماتی مانند پخت و پز، شستشوی ظروف و پوشاک و مانند آن؛
- کارکردهای بهداشتی مانند استحمام و شستشو و مانند آن؛
- کارکردهای اقتصادی- تولیدی مانند تولید صنایع دستی، پرورش طیور، تولید لبنیات و مانند آن؛
- کارکردهای اجتماعی- فرهنگی مانند ارتباطات با دیگران و اجرای وظایف شرعی و مانند آن؛
- کارکردهای ذخیره سازی مانند ذخیره آب و آذوقه، انبار علوفه و تولیدات زراعی و مانند آن؛ و
- کارکردهای ارتباط فیزیکی مانند ارتباطات موجود میان فضاها و اجزاء خانه و مانند آن.

مجموعه این کارکردها تعیین کننده نحوه فضابندی و نهایتاً بافت کالبدی مسکن خواهد بود (سعیدی، ب ۱۳۹۰: ۱۳).

در ارتباط با مسکن روستایی و همچنین پیامدهای نوسازی و مقاوم سازی مسکن روستایی مطالعات مختلفی صورت

گرفته است که در ادامه به برخی از این پژوهش ها اشاره می شود:

سرتیپی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان "ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی" ابتدا وضعیت مسکن روستایی را در ۴ زمینه شامل شرایط استحکام (امنیت)، برخورداری (آسایش)، اقتصاد معیشتی (کارکرد معیشتی و نقش اقتصادی) و زیست محیطی (هماهنگی با محیط و آسیب های زیست ناشی از مسکن) مورد ارزیابی قرار داده و سپس به منظور سیاست گذاری در جهت رفع مشکلات موجود پیشنهادهای متناسب با شرایطی که این استان از آن برخوردار است ارائه می نماید.

سعیدی و دیگران (ب ۱۳۹۰) در مقاله دیگری با عنوان "شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی"، روندهای تغییر را که زمینه ساز دگرگونی مسکن روستایی و خود زائیده شدت گرفتن جریان های شهری - روستایی، هم چون جریان افراد، اطلاعات، نوآوری و مانند آن بوده است، در روستاهای پیرامون زنجان مورد بررسی قرار داده اند. نتایج تحقیق ایشان حاکی از آن است که با گسترش دامنه جریان های مختلف شهری و روستایی و افزایش دسترسی نقاط روستایی به شهرها که عمدتاً کانون های نوآوری و تحول بشمار می آیند روستاها و عناصر کالبدی آنها نیز دچار تغییر و تحول شده اند.

شمس الدینی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستائیان" به بررسی تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر نظام اقتصادی حاکم بر روستاهای بخش مرکزی شهرستان ممسنی پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که نوسازی مسکن موجبات آسایش خاطر نسبی روستائیان به لحاظ ایمنی و زیبایی را فراهم آورده است، اما سبب تغییر نامحسوس در شرایط معیشتی و مالی روستائیان نیز شده است.

اردهایی و رستمعلی زاده (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی در روستای آقبراز در استان آذربایجان شرقی پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که وام مسکن روستایی دارای نقاط قوت و ضعف بوده و در ابعاد مختلف زندگی روستائیان اثرگذار است.

عنابستانی و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی نقش اعتبارات در تغییر الگوی مسکن روستایی در شهرستان بهمنی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که اعتبارات تخصیص یافته در زمینه توسعه و مقاوم سازی مسکن روستایی تغییرات مثبتی در الگوی مسکن داشته است. در پژوهش مشابهی مطیعی لنگرودی و بخشی (۱۳۸۹) در مقاله ای با عنوان "نقش اعتبارات بهسازی مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی در دهستان بیهق در شهرستان سبزوار" به این نتیجه رسیده‌اند که پرداخت وام مسکن ضمن ایجاد توانمندی، در ماندگاری جمعیت در روستاها نیز مؤثر است.

محمدی یگانه و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی در چهار بعد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی در دهستان معجزات در شهرستان زنجان پرداخته‌اند. نتایج تحقیقات ایشان حاکی از آن است که اعتبارات دریافتی بیشترین تأثیر را در شاخص‌های بعد کالبدی و کمترین تأثیر را در ابعاد اقتصادی داشته است.

سعیدی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "نوسازی مسکن و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه های روستایی، مورد روستاهای ایجرود، استان زنجان" به بررسی اثرات طرح بهسازی و نوسازی بر ویژگی های ساختاری - کارکردی مسکن روستایی پرداخته است. نتایج تحقیقات وی نشان داده است که اجرای طرح مذکور، دگرگونی ساختاری - کارکردی مسکن روستایی را به همراه داشته است و مسکن جدید کاملاً با سبک معماری شهری طراحی و ساخته شده اند، همچنین دگرگونی مسکن روستایی منجر به دگرگونی در فعالیت های معیشتی خانوارهای روستایی شده است.

عینالی و دیگران (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارزیابی نقش اعتبارات نوسازی مسکن روستایی در بهبود کیفیت زندگی ساکنان در دهستان سجا سرود - شهرستان خدابنده پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان دهنده وجود تفاوت معنادار در شاخص های کیفیت زندگی در دو دوره قبل و بعد از مقاوم سازی مسکن است و همچنین بین شاخص های کیفیت زندگی و مقاوم سازی مسکن رابطه مستقیم و بالایی وجود دارد. علاوه بر این، از بین شاخص های مورد بررسی در بحث مقاوم سازی مسکن روستایی، شاخص های استفاده از مصالح بادوام در ساخت مسکن و به کارگیری کدهای ساختمانی مورد نظر بنیاد مسکن به ترتیب دارای بیشترین میزان تأثیر و شاخص طراحی مسکن براساس نیاز خانوار کمترین میزان تأثیر را بر کیفیت زندگی خانوارهای روستایی دارند.

فرهادی قولیانلو (۱۳۹۵) در تحقیقی به ارزیابی نقش وام‌های طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی بر بافت و معماری روستای نوده در شهرستان بجنورد پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که اجرای این طرح منجر به فاصله گرفتن از الگوهای بومی و روی آوردن به الگوهای جدید شده و روابط فضایی، شکل و سازمان فضایی واحدهای مسکونی را دگرگون کرده و باعث ناهماهنگی آن با نیازهای زیستی معیشتی روستائیان شده و شکل و معماری روستاها را تغییر داده است. از طرفی تمایل مردم در روی آوردن به الگوهای جدید نیز این مسئله را دامن زده است.

رابط و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نقش تسهیلات مالی مسکن ارائه شده از سوی بنیاد مسکن در ایجاد تحول و همچنین نوسازی و مقاوم سازی مسکن پرداخته است. نتایج پژوهش مزبور حاکی از این است که تسهیلات مالی مسکن روستایی در ایجاد تحولات کالبدی مسکن روستایی سکونتگاه‌های روستایی که از تسهیلات مزبور استفاده نموده‌اند، نقش مهمی را بر عهده داشته است.

۳- روش، تکنیک‌ها و قلمرو

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد، جمع‌آوری اطلاعات نیز به دو صورت کتابخانه‌ای و میدانی بوده که در بخش میدانی از ابزار پرسشنامه و مصاحبه استفاده شده است. تعیین شاخص‌های مورد بررسی با توجه به سؤالات و اهداف تحقیق و با نظرخواهی از اساتید و کارشناسان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و مطالعات مشابه به شرح جدول ۱ انتخاب شده است.

جدول ۱- ابعاد و شاخص‌های تحقیق

بعد	شاخص	بعد	شاخص
کالبدی	مشارکت و همکاری با دهیار و شورای اسلامی	زیست محیطی	برخورداری از فضاهای خصوصی
	شرکت در انتخابات		فضابندی متناسب با نیاز
	تمایل به ماندگاری در روستا		کیفیت دسترسی به فضای باز
	همکاری با اهالی روستا		رنگ‌بندی مناسب
	روابط با اقوام و آشنایان		تناسب راه‌های ورودی و خروجی مسکن
	دسترسی به خدمات اجتماعی		موقعیت قرارگیری مسکن
	احساس امنیت		مقاومت مصالح بکار رفته
	تنش و درگیری در روستا		رضایت از تسهیلات رفاهی
	احساس عدالت در دسترسی به فرصت‌ها		مساحت مسکن
	احساس رضایت از زندگی		بهداشت مسکن
	امید به آینده		سیستم سرمایش
	افزایش شأن اجتماعی		سیستم گرمایش
	تغییر در رفتار اجتماعی		زیبایی مسکن
	مشارکت در امور روستا		نورگیری مناسب
اقتصادی	پرهیز از ساخت مسکن در اراضی زراعی	زیست محیطی	امنیت در برابر بلایای طبیعی
	تخریب اراضی کشاورزی		پایداری بنا
	ساخت مسکن در حریم رودخانه		ایمنی مسکن
	جدایی فضای زیستی میان احشام و انسان		برخورداری از فضای معیشتی
	استفاده از مصالح موجود در اطراف روستا		تغییر در هزینه زندگی
	استفاده از دانش بومی		تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا
	تخریب منابع آب و خاک		افزایش راندمان تولیدات کشاورزی
	دفع بهداشتی فاضلاب مسکن		افزایش میزان پس‌انداز
	دفع اصولی پسماند و زباله		تغییر در نگهداری دام و طیور
	آلودگی صوتی		بهبود دسترسی به تسهیلات و خدمات مالی و اعتباری
آلودگی هوا			افزایش اشتغال
			افزایش تنوع اشتغال
			ایجاد انگیزه برای بهبود اشتغال

تعیین پایایی پرسشنامه از طریق آزمون الفای کرونباخ 0.706 به دست آمده است. همچنین روایی پرسشنامه با نظر خواهی از اساتید و کارشناسان آشنا به موضوع اصلاح و مورد تأیید قرار گرفت. داده‌های بدست آمده از پرسش نامه بوسیله نرم افزار SPSS و شاخص‌های میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و آزمون T تک نمونه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته است. پرسشنامه عمدتاً متشکل از سؤالات بسته بوده و شیوه ارزش گذاری سؤالات پرسشنامه مبتنی بر طیف لیکرت ۵ مقیاس بوده است.

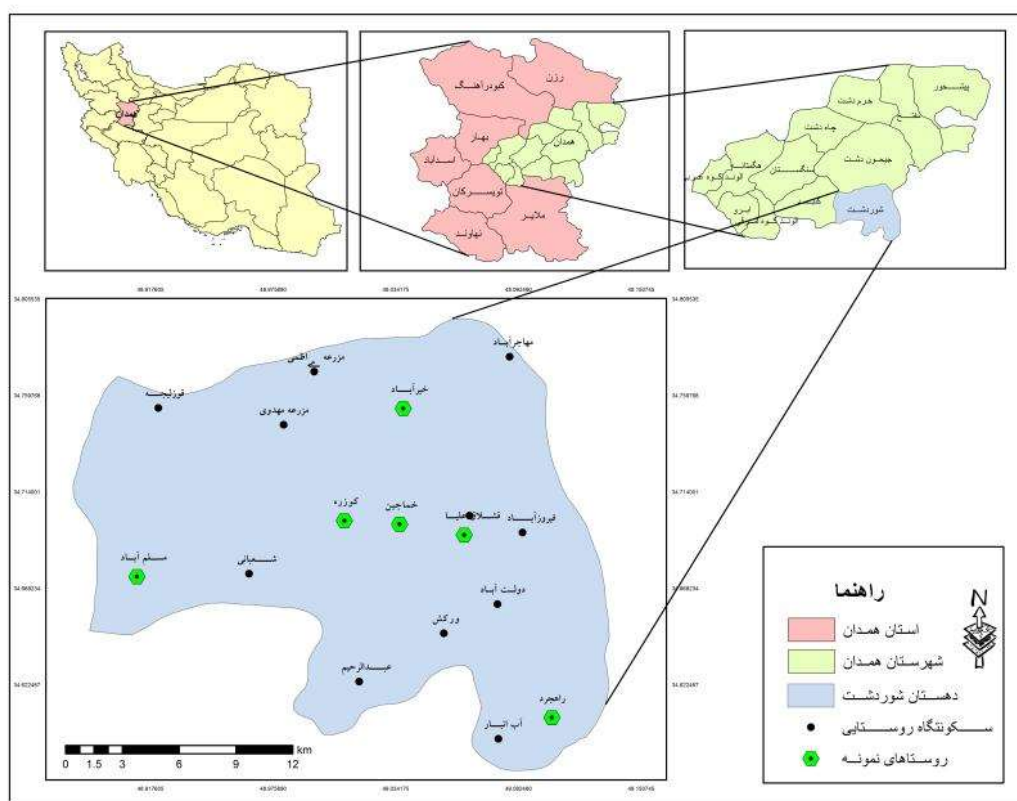
محدوده مورد مطالعه تحقیق، دهستان شور دشت واقع در استان و شهرستان همدان می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل خانوارهای روستایی است که از وام مقاوم سازی مسکن استفاده کردند و مدت ۳ سال از زمان دریافت آن گذشته است. لذا از میان این افراد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۹۳ خانوار تعیین گردید. در میان ۱۷ روستای موجود در دهستان شور دشت، با توجه به میزان جمعیت و میزان وام‌های واگذار شده از سوی بنیاد مسکن، شش روستای مسلم آباد، راهجرد، قشلاق علیا، کوزره، خماجین و خیر آباد به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شده‌اند. تکمیل پرسشنامه در بین خانوارهای ساکن به روش تصادفی ساده و میزان پرسشنامه برای هر روستا با روش سهمیه‌ای تعیین گردید.

جدول ۲- تعداد خانوار و تعداد نمونه انتخاب شده

نام روستا	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	حجم نمونه
مسلم آباد	۱۳۳	۴۳۲	۱۵
راهجرد	۴۶	۱۹۲	۱۰
قشلاق علیا	۳۸	۱۲۶	۱۲
کوزره	۵۵۷	۱۸۶۴	۲۸
خماجین	۷۰	۲۵۷	۱۱
خیرآباد	۱۲۴	۴۵۵	۱۷

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و محاسبات تحقیق، ۱۳۹۸.

دهستان شوردشت در بخش شرا در شهرستان همدان واقع شده است. جمعیت این دهستان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۷۷۶ خانوار و ۵۹۴۷ نفر بوده است، ۷۸ درصد از شاغلین دهستان در بخش کشاورزی فعالیت دارند که عمده فعالیت‌های اقتصادی ساکنان این دهستان شامل زراعت، باغداری، پرورش طیور، دامداری می‌باشد. ۱۶ درصد نیز در بخش خدمات و ۶ درصد در بخش صنعت فعالیت دارند (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).



شکل ۱- نقشه موقعیت روستاهای مورد مطالعه

۴- یافته‌ها و تحلیل داده

همچنان که در جدول ۲ مشاهده می‌شود میانگین همه ابعاد به استثنای بعد اقتصادی بالاتر از میانگین مفروض یعنی عدد ۳ قرار دارند. در این میان بعد کالبدی با میانگین $3/54$ بالاترین میانگین و بعد اقتصادی با میانگین $2/82$ پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین بعد اجتماعی و زیست محیطی برابر با $3/45$ و $3/33$ است. بر اساس نتایج آزمون T همه ابعاد به استثنای بعد اقتصادی اختلاف معناداری با سطح اطمینان ۹۹ درصد از میانگین مفروض دارند (جدول ۲). در ادامه به تفکیک هریک از ابعاد به تشریح شاخص‌های آن پرداخته می‌شود.

جدول ۳- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای در ابعاد مختلف

ابعاد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
کالبدی	$3/54$	$1/381$	$3/914$	۹۲	$0/000$
اجتماعی	$3/45$	$1/383$	$3/915$	۹۲	$0/000$
اقتصادی	$2/82$	$1/480$	$-1/110$	۹۲	$0/269$
زیست محیطی	$3/33$	$1/415$	$3/073$	۹۲	$0/002$

براساس نتایج بدست آمده از پرسشنامه، در بخش کالبدی بالاترین میانگین مربوط به شاخص‌های پایداری بنا، مقاومت مصالح بکار رفته در ساخت مسکن، ایمنی مسکن و امنیت در برابر بلایای طبیعی با میانگین‌های ۴/۴۳، ۴/۴۸ و ۴/۳۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴- پیامدهای کالبدی سیاست مقاوم‌سازی مسکن بر زندگی روستاییان

شاخص	فراوانی			میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
	خیلی کم	کم	متوسط			
برخورداری از فضاهای خصوصی	۶	۸	۱۷	۳/۹۵	۱/۱۲۴	۲۸/۴۵
فضابندی متناسب با نیاز	۱۷	۲۶	۱۸	۲/۹۱	۱/۲۷۹	۴۳/۹۵
کیفیت دسترسی به فضای باز	۵	۲۴	۳۴	۳/۰۴	۱/۲۲۶	۴۰/۳۲
رنگ‌بندی مناسب	۹	۲۷	۳۰	۲/۸۹	۱/۰۲۳	۳۵/۳۹
تناسب راه‌های ورودی و خروجی	۱۳	۱۴	۹	۳/۶۴	۱/۱۱۲	۳۰/۵۴
موقعیت قرارگیری مسکن	۱۲	۱۱	۲۰	۳/۵۱	۱/۴۴۲	۴۱/۰۸
مقاومت مصالح بکار رفته	۳	۵	۴	۴/۴۳	۱/۲۶	۲۸/۴۴
رضایت از تسهیلات رفاهی	۴	۱۸	۱۴	۳/۷۲	۱/۴۱۲	۳۷/۹۵
مساحت مسکن	۲۰	۲۹	۹	۲/۷۵	۱/۲۲۳	۴۴/۴۷
بهداشت مسکن	۷	۱۷	۱۳	۳/۸۱	۱/۲۶۵	۳۳/۲۰
سیستم سرمایش	۱۸	۳۲	۱۵	۲/۷۷	۱/۴۱۵	۵۱/۰۸
سیستم گرمایش	۲۴	۳۸	۱۸	۲/۲۲	۱/۳۵۲	۶۰/۹۰
زیبایی مسکن	۷	۱۶	۵	۳/۷۸	۱/۰۰۱	۲۶/۴۸
نورگیری مناسب	۱۳	۱۴	۹	۳/۶۴	۱/۲۱۴	۳۳/۳۵
امنیت در برابر بلایای طبیعی	۳	۲	۱۴	۴/۳۳	۱/۰۲۵	۲۳/۶۷
پایداری بنا	۳	۳	۸	۴/۴۸	۱/۰۰۷	۲۲/۴۷
ایمنی مسکن	۶	۵	۲	۴/۳۴	۱/۱۷۳	۲۷/۰۲

در بخش کالبدی مهم‌ترین تأثیر نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن و نقطه قوت آن، افزایش استحکام این مساکن و یا به کلام دیگر عدم استحکام مساکن قدیمی است. با توجه به ویژگی‌های طبیعی منطقه، مساکن بومی در این دهستان عمدتاً از مصالح کم دوام چون خشت و چوب با پایه‌های سنگی ساخته شده‌اند که این مساکن را خصوصاً در رویارویی با سوانح طبیعی از جمله زلزله آسیب پذیر نموده است (شکل ۲ و ۳)؛ در ساخت مساکن جدید از مصالح جدید و مستحکم استفاده و اصول مهندسی و ایمنی نیز رعایت شده است. این عوامل منجر به ایمنی و استحکام مساکن جدید نسبت به مساکن سنتی و قدیمی شده است.



شکل ۲- تصویر نمونه‌ای از مسکن قدیمی در دهستان شوردشت



شکل ۳- تصویر نمونه‌ای از مسکن قدیمی در دهستان شوردشت

در ابعاد کالبدی کمترین میزان میانگین در شاخص‌های سیستم گرمایش و سیستم سرمایش مشاهده می‌شود. به دلیل ویژگی‌های اقلیمی منطقه، در مسکن سنتی تمهیدات خاصی برای حفاظت ساکنین از سرما و تأمین گرمایش مسکن اندیشیده شده است. معمولاً دیوارها بصورت ضخیم بوده و حداقل امکان بازشوها و درها کوچک و عمدتاً از جنس چوب می‌باشد. همچنین مسکن در خلاف جهت وزش بادهای زمستانی و در جهت تابش خورشید احداث می‌شود. بافت مسکن متراکم و احداث دالان در ورودی مسکن از دیگر تمهیدات اندیشیده شده برای حفظ تعادل دمای مسکن است و این در حالیکه در مسکن نوسازی شده این موارد عمدتاً به فراموشی سپرده شده است. در مسکن جدید ابعاد بازشوها بزرگتر و تعداد آن نسبت به مسکن سنتی بیشتر است، همچنین بازشوهای فلزی در مقایسه با چوبی بیشتر مورد استفاده می‌باشد. دیوارها نسبت به مسکن سنتی از ضخامت کمتری برخوردار بوده و جنس مصالح بکار رفته در ساخت مسکن نیز در ارتباط

با حفظ سیستم گرمایش و سرمایش مسکن چندان کارآمد نمی‌باشد؛ در نتیجه‌ی این عوامل مسکن جدید نتوانسته است رضایت ساکنین را در سیستم سرمایش و گرمایش مسکن برآورده سازد.

بر اساس نتایج بدست آمده از پرسشنامه، در بعد اجتماعی بالاترین میانگین در شاخص‌های احساس امنیت، تمایل به ماندگاری در روستا و افزایش شأن اجتماعی با میانگین ۴/۴۳، ۴/۴ و ۴/۳۸ مشاهده می‌شود. زندگی در مسکن جدید و مستحکم باعث گسترش و بروز حس امنیت در میان ساکنان شده است. همچنین به واسطه سرمایه‌گذاری صورت گرفته از سوی روستاییان برای ساخت مسکن و زندگی در آن، تمایل آنان به زندگی در روستا نیز افزایش یافته است. علاوه بر این، روستاییان زندگی در مسکن جدید و مجهز را عاملی بر ارتقاء شأن و موقعیت اجتماعی خود می‌دانند. از نظر فرهنگی، مکان، شکل و نوع مصالح بکار رفته در واحدهای مسکونی برای مالک آن مقام و منزلت اجتماعی می‌آورد و بازگو کننده‌ی پایگاه اجتماعی و اقتصادی صاحب مسکن است. بدین ترتیب برخی از خانواده‌ها از مسکن جدید برای پذیرایی از مهمان و یا برگزاری جشن‌ها و مهمانی‌ها استفاده می‌کنند و خود همچنان در بخش قدیمی سکونت دارند. در بعد اجتماعی کمترین میانگین نیز در شاخص‌های تنش و درگیری در روستا، احساس عدالت در دسترسی به فرصت‌ها و تغییر در رفتار اجتماعی با میانگین ۲/۳، ۲/۶۷ و ۲/۷۹ مشاهده می‌شود.

جدول ۵- پیامدهای اجتماعی سیاست مقاوم‌سازی مسکن بر زندگی روستاییان

شاخص	فراوانی				میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد			
مشارکت و همکاری با دهیار و شورای اسلامی	۹	۸	۱۵	۱۵	۴۶	۱/۲۵۳	۳۲/۳۷
شرکت در انتخابات	۵	۳	۳	۲۳	۵۹	۱/۰۲۶	۲۳/۲۱
تمایل به ماندگاری در روستا	۳	۴	۶	۱۷	۶۳	۱/۳۶۹	۳۱/۱۱
همکاری با اهالی روستا	۱۱	۲۹	۱۹	۱۶	۱۸	۱/۲۶۵	۴۲/۰۲
روابط با اقوام و آشنایان	۱۲	۱۰	۱۴	۲۵	۳۲	۱/۴۴۲	۴۰/۱۶
دسترسی به خدمات اجتماعی	۱۳	۲۷	۲۵	۱۸	۱۰	۱/۳۷۸	۴۸/۵۲
احساس امنیت	۲	۵	۷	۱۶	۶۳	۱/۰۸۳	۲۴/۴۴
تنش و درگیری در روستا	۳۶	۱۹	۲۰	۱۰	۸	۱/۲۴۵	۵۴/۱۳
احساس عدالت در دسترسی به فرصت‌ها	۲۰	۳۱	۱۵	۱۵	۱۲	۱/۴۳۹	۵۳/۸۹
احساس رضایت از زندگی	۸	۲۷	۲۶	۱۹	۱۳	۱/۲۷۹	۴۲/۳۵
امید به آینده	۴۳	۱۵	۵	۸	۲۲	۱/۴۴۱	۴۱/۱۷
افزایش شأن اجتماعی	۳	۶	۴	۱۹	۶۱	۱/۲۷۶	۲۹/۱۳
تغییر در رفتار اجتماعی	۱۷	۲۶	۲۱	۱۷	۱۲	۱/۲۶۱	۴۵/۱۹
مشارکت در امور روستا	۱۰	۲۲	۲۸	۱۴	۱۹	۱/۳۴۲	۴۳/۲۹

در بخش اقتصادی بالاترین سطح میانگین مربوط به شاخص‌های تغییر در نگهداری دام و طیور، تغییر در هزینه زندگی و تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا با میانگین ۴/۱۵، ۳/۹۵ و ۳/۸۷ است. کمترین میزان میانگین نیز مربوط به شاخص‌های بهبود دسترسی به خدمات مالی، افزایش اشتغال و افزایش تنوع اشتغال با میانگین ۱/۸۷، ۱/۹۷ و ۲/۰۴ است.

جدول ۶- پیامدهای اقتصادی سیاست مقاوم‌سازی مسکن بر زندگی روستاییان

شاخص	فراوانی			انحراف میانگین	ضریب تغییرات
	خیلی کم	کم	متوسط		
برخورداری از فضای معیشتی	۸	۲۳	۱۹	۳/۳۳	۴۵/۷۲
تغییر در هزینه زندگی	۹	۱۱	۳	۳/۹۵	۲۹/۷۷
تمایل به سرمایه‌گذاری در روستا	۹	۸	۱۵	۳/۸۷	۳۶/۴۵
افزایش راندمان تولیدات کشاورزی	۷	۸	۲۲	۲/۲۹	۵۷/۵۹
افزایش میزان پس‌انداز	۱۱	۱۴	۲۳	۲/۷۱	۳۷/۳
تغییر در نگهداری دام و طیور	۲	۷	۱۵	۴/۱۵	۲۹/۴۲
بهبود دسترسی به تسهیلات و خدمات مالی	۵	۶	۱۱	۱/۸۷	۵۹/۲۵
افزایش اشتغال	۴۳	۲۷	۱۱	۱/۹۷	۶۱/۳۶
افزایش تنوع اشتغال	۴۹	۱۵	۱۰	۲/۰۴	۶۶/۶۱
ایجاد انگیزه برای بهبود اشتغال	۴۰	۲۷	۱۴	۲/۰۵	۶۱/۰۷

در هر منطقه با توجه به نوع معیشت خانوار و شیوه‌های تولید، انتظارات خاصی از مسکن می‌رود و یکی از دلایل تنوع مسکن روستایی در مناطق مختلف کشور به اقتصاد آن جامعه باز می‌گردد. در محدوده مورد مطالعه معیشت غالب روستاییان از سالیان دور کشاورزی و دامداری بوده است و همواره بخشی از درآمد خانوار به محیط مسکونی باز می‌گردد. لذا با توجه به این معیشت، وجود انبار محصولات کشاورزی، محل نگهداری ادوات و وسایل کشاورزی، محل نگهداری حیوانات، محلی برای نگهداری سوخت گیاهی و دامی، کاهدان و غیره از جمله فضاهایی است که در غالب مسکن قدیمی این دهستان به چشم می‌خورد. البته در همه موارد کارکرد این فضاها را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک نمود برای مثال ممکن است در طولی که کارکرد اصلی آن نگهداری از حیوانات است به عنوان انبار ادوات کشاورزی و یا نگهداری سوخت نیز استفاده شود (شکل ۴).



شکل ۴- کارکردهای مختلف مسکن روستایی از بعد اقتصادی

مقاوم سازی مسکن روستایی منجر به تغییرات فراوانی در کاربری فضا در این مسکن شده است. از مهمترین این تغییرات بی توجهی به اختصاص بخشی از مسکن به فعالیت های دامی و کشاورزی بوده است. تغییر شیوه معیشت در اینجا به معنای رها کردن کامل کشاورزی و دامداری نیست، یعنی گروهی از این تعداد کشاورزی و دامداری را بصورت توأم با یکدیگر انجام می دادند اما پس از مقاوم سازی مسکن، به ناچار تنها به یکی از این مشاغل روی آوردند. تعداد دیگر نیز از تعداد دام های خود کاسته و یا تنها به نگهداری دام های بزرگ اکتفا نموده اند، در ارتباط با فعالیت های زراعی نیز بیشتر به کشت محصولاتی روی آورده شده که نیاز به انبار نداشته و محصول در همان محل کشت، مستقیم به فروش می رسد. به عنوان نمونه یونجه و شبدر از جمله محصولاتی است که فروش آن نیاز به زمان و نگهداری در انبار دارد اما در مقابل گندم و جو بلافاصله پس از برداشت به فروش می رسد، لذا بیشتر به کشت این محصول روی آورده شده است. از نظر روستاییان مسکن سنتی بیشتر به عنوان محلی برای زندگی و فعالیت اقتصادی در نظر گرفته می شود، اما مسکن نوساز علاوه بر آن به عنوان یک سرمایه اقتصادی می باشد. به عبارت دیگر مسکن علاوه بر تأمین یکی از نیازهای زندگی یعنی سرپناه، به عنوان یک پس انداز مطرح شده است. در مسکن سنتی تنها در موارد اضطرار، ساکنان برای تعمیر و نگهداری مسکن خود هزینه می کنند و از لحاظ اقتصادی صرف وقت و هزینه را برای مسکن خود مقرون به صرفه نمی دانند، اما به واسطه تغییر نگرش آنان به مسکن و تبدیل آن به کالایی سرمایه ای، در مسکن جدید از این حیث تغییرات فراوانی بوجود آمده و صرف هزینه برای مسکن توجیه اقتصادی پیدا کرده است.

بررسی دیدگاه پرسش شوندگان در بخش زیست محیطی بالاترین سطح میانگین را در شاخص های پرهیز از ساخت مسکن در حریم رودخانه، جدایی فضای زیستی میان احشام و انسان و دفع بهداشتی فاضلاب با میانگین ۳/۷۹ و ۳/۷۸ نشان می دهد. کمترین میزان میانگین نیز در شاخص های استفاده از دانش بومی و استفاده از مصالح بومی با میانگین ۱/۹۷ و ۲/۰۷ مشاهده می شود.

در اجرای طرح بهسازی و نوسازی مسکن به موقعیت استقرار مسکن توجه شده و از استقرار مسکن جدید در حریم رودخانه و دامنه کوهها پرهیز شده است. بیشتر مسکن سنتی در منطقه مورد مطالعه فاقد سیستم دفع فاضلاب بوده

و بخش اعظم فاضلاب منازل بصورت غیراستاندارد دفع می‌شد؛ اما در مسکن جدید به این موارد توجه شده است. همچنین در مسکن نوساز فضای زیستی و معیشتی (محل نگهداری دام) از یکدیگر تفکیک شده که افزایش سطح بهداشت ساکنان را در پی داشته است.

جدول ۷- پیامدهای زیست محیطی سیاست مقاوم سازی مسکن بر زندگی روستاییان

شاخص	فراوانی			میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	
	خیلی کم	کم	متوسط				زیاد
پرهیز از ساخت مسکن در اراضی زراعی	۹	۱۸	۶	۱۸	۴۲	۳/۷	۳۶/۸۱
تخریب اراضی کشاورزی	۵	۹	۴۰	۱۴	۲۵	۳/۴۸	۴۹/۱۹
پرهیز از ساخت مسکن در حریم رودخانه	۹	۱۳	۸	۱۳	۵۰	۳/۸۸	۳۵/۱
جدایی فضای زیستی میان احشام و انسان	۱۲	۹	۸	۲۱	۴۳	۳/۷۹	۲۹/۱
استفاده از مصالح موجود در اطراف روستا	۲۹	۴۳	۹	۹	۳	۲/۰۷	۴۸/۸۸
استفاده از دانش بومی	۶۱	۳	۴	۲۰	۵	۱/۹۷	۶۲/۴۳
پرهیز از تخریب منابع آب و خاک	۲۱	۱۵	۱۹	۱۶	۲۲	۳/۰۳	۴۶/۸۹
دفع بهداشتی فاضلاب مسکن	۹	۱۱	۱۵	۱۴	۴۴	۳/۷۸	۳۰/۵۲
دفع اصولی پسماند و زباله	۹	۱۵	۱۷	۱۷	۳۵	۳/۵۹	۳۶/۶۵
افزایش آلودگی صوتی	۴	۱۷	۲۱	۱۴	۳۷	۳/۶۸	۳۵/۲۷
افزایش آلودگی هوا	۴	۱۸	۱۴	۲۱	۳۶	۳/۷۲	۳۲/۸۷

۵- بحث و فرجام

مسکن روستایی تحت تأثیر شرایط جغرافیایی و طبیعی زمین، شرایط اقلیمی، شرایط اقتصادی و نوع معیشت خانوار و خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مردم قرار داشته و همواره بین این عوامل و مسکن تعادل نسبی وجود داشته و با تغییر هر یک از این عوامل مسکن نیز دچار تحولاتی در جهت همسویی با این تغییرات شده است. ناگفته نماند که لزوماً نمی‌توان اینگونه تغییرات را منفی دانست بلکه این تغییرات لازمه تأمین هر چه بیشتر رفاه و آسایش ساکنان است، اما نکته اساسی در این بین لزوم انطباق این تحولات با ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی - اجتماعی و نوع اقتصاد حاکم بر جوامع روستایی و ساختارهای منحصر به فرد هر منطقه است تا از ناهمگنی و ناهنجارهایی احتمالی جلوگیری شود. در کشور پهناوری مانند ایران که از تنوع اقلیمی، قومی و اقتصادی بسیاری برخوردار است، نیازهای مسکن روستایی در مناطق مختلف کشور متفاوت است؛ لذا اجرای یک طرح و برنامه مشترک در اقصی نقاط کشور بدون توجه به این تمایزات نه تنها نمی‌تواند توفیق لازم را به دست آورد، بلکه ممکن است اثرات سوء برجای گذارد و نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و سرمایه نداشته باشد. واقعیت آن است که لازمه مداخله در بافت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی از جمله مسکن آن، توجه به ساختارها و کارکردهای خاص مسکن روستایی است. تسهیلات مسکن روستایی با رویکردی هماهنگ و پرهیز از نگاه صرفاً کالبدی و توجه به ساختارهای خاص سکونتگاه‌های روستایی هر منطقه، می‌تواند منشأ تحولات مثبتی باشد.

مسکن در جامعه روستایی علاوه بر آنکه مأوای مطمئنی برای سکونت است، بخشی از فضای ضروری برای فعالیت‌های اقتصادی آنان را تشکیل می‌دهد؛ همچنین در مسکن جدید فضاهای مرتبط با اقتصاد روستاییان همچون انبار علوفه، محل نگهداری دام و ادوات کشاورزی و غیره کمتر مورد توجه قرار گرفته که در نتیجه این مسکن نتوانسته است نیازهای معیشتی ساکنان را پاسخگو باشد. با تغییر و تحولات صورت گرفته در مسکن، فعالیت دامداری و کشاورزی روستاییان با مشکلات متعددی روبرو گشته است؛ که این امر خود می‌تواند تبعات دیگری همچون تغییر معیشت، تغییر در معماری و کاربری فضا در مسکن و مواردی از این قبیل را در پی داشته باشد. به عبارت بهتر این طرح‌ها اغلب با بی‌توجهی به نیازهای زیستی - معیشتی و ویژگی‌های محیط زیست همراه می‌باشد. نتایج این تحقیق با یافته‌های سرتیپی‌پور (۱۳۸۸)، شمس‌الدینی و همکاران (۱۳۹۰)، رابط و همکاران (۱۳۹۶) و سعیدی و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد و به نتایج مشابهی دست یافته است.

مسکن بیش از هر بنای دیگری با جوامع انسانی نسبت داشته و عدم تطابق این الگوهای رفتاری با محل سکونت ایشان، مسکن را به فضایی نامتناسب برای زندگی آن مبدل خواهد ساخت لذا طرح موضوع مشارکت مردمی در طراحی و ساخت مسکن و پرهیز از اجرای طرح‌های تیپ بیش از هر موضوع دیگری در این ارتباط حائز اهمیت است. روستاییان مسکن خویش را نسل به نسل، با آگاهی از شرایط اقلیمی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خود طراحی و ساخته و کاستی‌های آن را در طی سالیان متمادی از طریق آزمون و خطا به حداقل رسانده‌اند لذا ساخت و ساز مسکن مناسب که با جنبه‌های مختلف زندگی روستاییان در هماهنگی و ارتباط کامل باشد، جز با مشارکت مردمی که خود بهترین آگاه به امور و نیازهای سکونتی خویش هستند میسر نخواهد بود.

۶_ منابع

- اکبری، سعید (۱۳۸۸). نگرشی بر طراحی پایدار در مناطق روستایی با رویکردی بر اکوتوریسم پایدار و مدل مکان پایدار. اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، زاهدان.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۸۶). گزارش بهسازی مسکن روستایی.
- رابط، علیرضا، سعیدی، عباس، طالشی، مصطفی، نظری، عبدالحمید (۱۳۹۶). نقش آفرینی تسهیلات مالی مسکن در نوسازی و مقاوم‌سازی مسکن روستایی (مطالعه موردی مسکن روستایی شهرستان ایجرود). فصلنامه فضای جغرافیایی، سال ۱۷، شماره ۵۸، صص ۱ - ۲۴.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۸). آسیب شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب. انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۹). ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۷.
- سعیدی، عباس (الف ۱۳۹۰). پویای ساختاری - کارکردی رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، شماره ۲۹.
- سعیدی، عباس، احمدی، منیژه (ب ۱۳۹۰). شهرگی و دگردیسی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد روستاهای پیرامون شهر زنجان. فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، شماره ۳۱.

- سعیدی، عباس (۱۳۹۱). پوشش ساختاری - کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه ریزی فضایی. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، شماره ۱.
- سعیدی، عباس، امینی، فریبا (۱۳۸۹). ناپایداری سکونتگاهی و تحول کارکرد مسکن روستائی مورد: روستای خفر (ناحیه نطنز - بادرود). فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، شماره ۲۷.
- سعیدی، عباس، طالشی، مصطفی و رابط، علیرضا (۱۳۹۲). نوسازی و دگرگونی ساختاری - کارکردی خانه‌های روستایی مورد: روستاهای شهرستان ایجرود (استان زنجان). فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، شماره ۳۸.
- شمس‌الدینی، علی، شکور، علی و رستمی، روح‌اله (۱۳۹۰). تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر اقتصاد معیشتی روستائیان مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان ممسنی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۵.
- عنابستانی، علی اکبر، شایان، حمید و بنیادداشت، ابوالقاسم (۱۳۹۱). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمئی). مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره ۳.
- عینالی، جمشید؛ رابط، علیرضا و رفیعی، ثریا (۱۳۹۴). نقش اعتبارات نوسازی مسکن روستایی در بهبود کیفیت زندگی ساکنین مورد مطالعه: دهستان ساجسرود، شهرستان خدابنده. فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۵، شماره ۱۷.
- فرهادی قولیانلو، محمدیار (۱۳۹۵). ارزیابی نقش وام‌های طرح ویژه بهسازی مسکن روستایی بر بافت و معماری روستاها نمونه مورد مطالعه: روستای نوده، شهرستان بجنورد. فصلنامه مسکن و محیط روستا، سال ۳۵، شماره ۱۵۳.
- قاسمی اردهایی، علی و رستمعلی‌زاده، ولی‌اله (۱۳۹۱). اثرات وام مسکن روستایی در تغییرات زندگی روستایی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۱، شماره ۱۳۹، صص ۶۷ - ۸۴.
- محمدی یگانه، چراغی، مهدی عباسی، جواد و تاراسی، زهرا (۱۳۹۲). نقش اعتبارات بهسازی مسکن در بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی مطالعه موردی: شهرستان زنجان، دهستان معجزات. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵.
- مطیعی لنگرودی، سید حسن، بخشی، زهرا (۱۳۸۹). نقش اعتبارات بهسازی مسکن در توانمندی و ماندگاری جمعیت روستایی دهستان بیهق، شهرستان سبزوار. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲.
- مهدیان، عزت‌الله و سرتیپی پور، محسن (۱۳۹۱). مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم انداز آتی. فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۰.